

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دومنیکو لوسوردو
برگردان از: خ. طهوری
فرستنده: علی مشرف
۰۳ فبروری ۲۰۲۰



وقتی نیروهای چپ در صحنه نیستند ... - ۱۹

۲. از پرستش خدایان متعدد به یکتاپرستی ارزش‌ها

تاریخ اروپا متفاوت است و خود اروپا نیز تکرارستانی و یکدست نیست. «ماکس وبر» که نبرد مهم‌ترین کشورهای اروپایی و مصاف خونین غرب را تجربه کرده بود، بلافاصله پس از جنگ جهانی اول نوشت:

«من نمی‌دانم که چگونه می‌توان از نظر «علمی» بین ارزش فرهنگ فرانسوی و فرهنگ المانی انتخاب کرد، زیرا اینجا خدایان مختلفی با یک دیگر در نزاعند و آن‌هم نزاعی همیشگی. (...) و در مورد خدایان و نزاع آن‌ها تنها سرنوشت است که تصمیم می‌گیرد و مطمئناً نه «علم». تنها چیزی که می‌توان درک کرد، این است که برای این یا آن نظام و یا در این یا آن نظام چه چیز الهی است.»

این مناقشه عظیم و سهمگین به مراتب وسیع‌تر از یک جنگ ژئوپلیتیک و یا استهلاکی بود.

قدرت‌های بزرگ اروپایی و یا غربی در رودروئی با یک دیگر از مواضع مختلف «ارزشی» و یا حتی «خدایان» متضاد حرکت می‌کردند. «ورنر سومبارت» المانی از «جنگ ایمانی» سخن می‌گفت. دشمنان المان نیز حداقل به نظر «لئونارد هوب‌هاوس» انگلیس‌بر همین عقیده بودند: «اروپا شاهد شهادت میلیون‌ها انسان که در خدمت خدایان باطلند و میلیون‌ها نفر دیگر که با آن‌ها مقابله می‌کنند، می‌باشد.» این ارزش‌ها و خدایان متضاد کدام بود؟ برای خوانندگان امروزی شاید تعجب‌آور باشد که بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ این عمدتاً کشور المان بود که خود را پاسدار ارزش مرتبت فردی و آزادی می‌دانست. به قول «گنورگ سیمل» «فردگرایی» مسأله‌ای بود که «در ذات المان‌ها بود.»

به عکس فرانسه که به قول این بار «ماکس شلر» - به خاطر «سنت‌گرایی کهنه و اعتقاد خرافاتی به دولت مطلقاً قادر و مسلط حتی در امور انسانی» شهرت داشت. از طرف دیگر در انگلیس نیز «سرکوب» و یا حتی بدتر «خفه کردن

فردیت معنوی» در جریان بود. و طرف مقابل، المان را به عنوان حلول یک رایش کهنه، یک دشمن اصلاح‌ناپذیر ارزش‌های دمکراسی و صلح، ارزش‌هایی که از طرف کشورهای ائتلاف ضدالمان با تعصب دفاع می‌شد، معرفی می‌کرد. (که البته تا سال ۱۹۱۷ روسیه تزاری نیز جزو آن‌ها محسوب می‌شد)

همان‌طور که می‌بینیم این‌طور به نظر می‌رسد آنچه که ما امروز آن را غرب می‌نامیم بسیار گسیخته‌تر از آن بود که بتواند خود را پاسدار همگون و واحد ارزش‌های عمومی قلمداد کند. با آغاز جنگ سرد، البته نه فوراً، این تصویر تغییر کرد. در سال ۱۹۵۳ هنوز چرچیل امیدوار بود که با هشدار دادن در مقابل خطر اتحاد شوروی و کمونیسم شرقی، بتواند بخشی از منافع امپراتوری بریتانیا را نجات دهد و یا حداقل برای کشورش نقش ممتازی تضمین کند و در نامه خود روز ۵ اپریل به رئیس‌جمهور ایالات متحده آیزنهاور به «وحدت جهان انگلیسی‌زبان - unity of the English-Speaking world» اشاره کرد و به جای آن‌که کل غرب را مخاطب قرار دهد روی نقش مهم آن در درون انگلستان «با ۸۰ میلیون شهروند انگلیسی‌زبان» تکیه کرد. با تثبیت سلطه بلامنازع آمریکا این سخنان چرچیل اهمیت خود را از دست داد، به ویژه آن‌که در سال‌هایی که انقلاب‌های ضداستعماری و شورش‌های «خلق‌های رنگین‌پوست» گسترش یافت، این سخنان دیگر مخرب و مضر به نظر می‌رسید.

از این لحظه خدایان متعددی ارزش‌ها و تضاد بین خدایان مختلف و متضاد کاملاً ناپدید شد؛ همه این‌ها راه را برای غرب به عنوان درون‌آخته ضروری و واحد و پاسدار واحد ارزش‌های عام باز کرد. البته با در نظر گرفتن تاریخ هولناکی که استعمار غربی نوشته، چنین ادعایی با اشکال روبه‌رو می‌شود. ولی نهایتاً سرمشقی شد که می‌توانیم آن را ترفند «هانا آرنت» (تصویر) بنامیم. «سرچشمه‌های تمامیت‌خواهی» Totalitarianism بی هیچ ملاحظه‌ای گناهان استعمار را که مسئول «کاهش جمعیت بومی (کنگو) از ۲۰ تا ۴۰ میلیون در سال ۱۸۹۰ به ۸ میلیون در سال ۱۹۱۱» بود، عیان می‌کند. مسئول این سیاست نابودکننده لئوپولد دوم پادشاه بلجیم بود که مغایر با «کلیه اصول سیاسی و اخلاقی غرب» عمل کرد. در سطح تاریخ‌نویسی این نظر بسیار عجیب می‌نماید: تراژیدی کنگو که در چارچوب کشورگشایی استعماری یک امر منحصر به فرد نبود؛ سرنوشت مردم کنگو که بدتر از بومیان آمریکای شمالی و استرالیا و نیوزیلند و غیره نبود. ولی به برکت این ترفند و یا ژست برآشفستگی و یا به برکت این تعبیر غرب توانست پیشاپیش خود را به عنوان تنها تفسیرگر معتبر ارزش‌های عمومی معرفی کند.

در سال ۲۰۰۲ که جهنم گوانتانامو بر پا شده بود و مقدمات جنگ دوم خلیج آماده می‌گشت، رئیس‌جمهور آمریکا جورج دبلیو بوش اعلام کرد که: «سیستمی از ارزش‌ها وجود دارد که هیچ نوع مصالحه‌ای را نمی‌پذیرد و آن ارزش‌هایی است که خداوند تعیین کرده است» و این ارزش‌ها به وسیله ادیان توحیدی به ویژه ادیان مسیحی و یهودیت حفاظت می‌گردد. در اینجا بیش از پیش جایگزینی پولی‌تئیسیم ارزش‌ها از سوی یکتاپرستی ارزشی مشهود می‌گردد.

برای مطالعه این اثر ارزنده به این نشانی مراجعه کنید:

<http://www.edalat.org/ketabkhaneh/VaqtiNirouhayehChapDarSahnehNistand.pdf>